

ادبیات شاهنامه پژوهی
کاری از نشر نگاه معاصر



زنان شاهنامه

جلال خالقی مطلق

ترجمه‌ی فرهاد اصلانی - معصومه پورتنقی

زنان شاهنامه

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

جلال خالقی مطلق

ترجمہ فرہاد اصلانی - معصومہ پورتنی

زنان شاهنامه

جلال خالقی مطلق

ترجمه از آلمانی به انگلیسی
بر ریگفته نوینشو!ندر — ناهید پیرنظر

ترجمه از انگلیسی به فارسی
فرهاد اصلانی — معصومه پورتنی

کتابخانه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: نادر

نویت چاپ: یکم، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۷۴-۳

نشانی: تهران — مینی سیتی — شهرک محلاتی — فاز ۲ مخابرات — بلوک ۳۸ — واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پُست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

فهرست

۹	□ کوتاه‌نوشت‌ها
۱۱	□ دیباچه مترجمان
۱۷	□ پیشگفتار ویراستار متن انگلیسی
۱۹	□ مقدمه ویراستار
۲۱	دیباچه
۲۷	مقدمه

بخش اول

فردیت زنان شاهنامه (۴۷)

۴۹	فصل اول: زنان نژاده
۱۲۱	فصل دوم: زنان غیرنژاده

بخش دوم

مقام اجتماعی زنان در شاهنامه (۱۳۵)

۱۳۷	فصل سوم: جایگاه دختران در خانه پدری
۱۵۳	فصل چهارم: مراسم ازدواج
۱۷۵	فصل پنجم: گونه‌های مختلف ازدواج
۱۹۱	فصل ششم: جایگاه زن پس از ازدواج
۲۱۱	فصل هفتم: جایگاه زن در جامعه

۲۳۹..... منابع □

۲۴۶..... کتابشناسی ترجمه فارسی □

□ نمایه

۲۵۱..... نام افراد و جانوران

۲۶۱..... نام ایزدان و دیوان

۲۶۳..... نام جای ها

۲۶۵..... نام کتاب ها

کوته‌نوشت‌ها

- AiBSB** *Altiranische Bronzen der Sammlung Bröckelschen*. P. Calmeyer. Berlin, 1964.
- AirWb** *Altiranisches Wörterbuch*. Chr. Bartholomae, 2nd Edition. Berlin, 1961.
- BdA** *Zand-Ākāsih, Iranian or Great Bundahišn*. Translated into English by B. T. Anklesaria. Bombay, 1956.
- BdK** *Der Bundehesh*. Translated, edited, and transcribed by F. Justi. Leipzig, 1868.
- EA** *Eranische Altertumskunde*, F. Spiegel. I–III. Leipzig, 1871–78.
- GrIrPh** *Grundriß der Iranischen Philologie*, I–II. W. Geiger-E. Kuhn. Straßburg. 1896–1904.
- Gr.u.lat.N** *Die griechischen und lateinischen Nachrichten über die persische Religion*. C. Clemen. Gießen, 1920.
- J.D.-G., SdP** Duchesne-Guillemin, J., *Symbolik des Parsismus*. German by F. Montfort. Stuttgart, 1961.
- OK** *Ostiranische Kultur im Altertum*. W. Geiger. Erlangen, 1882.
- RAI** *Die Religionen des alten Iran*. H. S. Nyberg, German by H. H. Schaeder. Osnabrück, 1966.
- SBE** Sacred Books of the East
- WZKM** Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes
- ZDMG** Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft
- zSR** *Zum sasanidischen Recht*, Chr. Bartholomae. Heidelberg 1918–23.

دباجة مترجمان

متن آلمانی زنان در شاهنامه رساله دکتری استاد جلال خالقی مطلق در دانشگاه کلن به سال ۱۳۴۹/۱۹۷۰ است که در سال ۱۳۵۰/۱۹۷۱ در فرایبورگ به چاپ رسید:

Die Frauen im Shahname. Ihre Geschichte und Stellung unter gleichzeitiger Berücksichtigung vor- und nachislamischer Quellen. Freiburg 1971 (Islamkundliche Untersuchungen. Band 12); XIII + 235 pp.

و ترجمه انگلیسی آن توسط بریگیته نوینشواندر^۱، با ویرایش ناهید پیرنظر در سال ۲۰۱۲ توسط انتشارات مزدا در کالیفرنیا منتشر شد:

Women in the Shahnameh, ed. by N. Pirnazar, tr. by B. Neuenschwander, Mazda Publishers, California 2012.

ایده ترجمه این کتاب نخستین بار در پاییز ۱۳۹۴ در دیدار با استاد مطرح شد که فرمودند شخص دیگری در حال ترجمه کتاب است و باید منتظر نتیجه کار ایشان بود. بنابراین ما به تدوین و ترجمه آثار دیگری در حوزه شاهنامه پژوهی پرداختیم. ترجمه مزبور در تابستان ۱۳۹۵ منتشر شد.^۲

شوریه‌خانه این ترجمه به دلیل ناآشنایی مترجم با حوزه شاهنامه پژوهی سرشار از نادرستی و کاستی بود. برخی از اشکالات آن بدین قرار هستند: عدم ترجمه مقدمه و پیشگفتار ویراستار متن انگلیسی و مقدمه استاد خالقی مطلق که در نتیجه، این موضوع مهم که ارجاع به کدام چاپ شاهنامه است، نامشخص بوده و روش ارجاع نیز نامعلوم است. عدم درج فهرست کوتاه نوشت‌ها که در متن کتاب استفاده شده و ناآشنایی با آنها باعث عدم درک برخی ارجاعات می‌شود. عدم درج کتابنامه که طبعاً در متن اصلی بوده و نبود آن برای یک رساله دکتری غیر قابل توضیح است. عدم ثبت فهرست اعلام که در متن انگلیسی

بوده ولی در ترجمه فارسی نیامده است. وجود ابهام در موارد گوناگون در فهم متن برای خواننده، ارجاع نادرست به شماره صفحات اشتباه در متن فارسی، تغییر شماره پانویس‌ها در هر صفحه که در متن اصلی در هر فصل از نو شماره‌گذاری شده‌اند و در نتیجه، آوردن ارجاعات نادرست به شماره پانویس‌هایی که چون از متن انگلیسی نقل شده‌اند، در متن فارسی وجود ندارند. عدم ترجمه کامل متن پانویس‌ها و حذف پانویس‌های فراوان از متن ترجمه. ترجمه نقل قول از منابع کهن به جای آوردن صورت اصلی متن منابع. در باب اعلام گوناگون نادرستی‌های پرشمار در متن آمده و فقط محض نمونه در هر زمینه دو مورد را مثال می‌زنیم. ثبت نادرست اسامی جغرافیایی مثلاً خوتان به جای ختن، آموریه به جای عموریه و... ثبت نادرست اسامی اساطیری و تاریخی مثلاً جیح به جای جهی، کامبیز به جای کمبوجیه و... ثبت نادرست اسامی شخصیت‌های شاهنامه مثلاً قریره به جای جریره، مونظر به جای منذر و... ثبت نادرست اسامی منابع مثلاً می‌نوک خرات به جای مینوی خرد، آیات‌کار ژاماسپیک به جای یادگار جاماسپی و... ثبت نادرست اسامی مورخان مثلاً گاردیزی به جای گردیزی، تعالی به جای ثعالبی و... ثبت نادرست اسامی ایران‌شناسان و محققان مثلاً ژوستی به جای یوستی، هابش من به جای هوشمان و...
 طبعاً این موارد از چشم محققان نیز دور نماند و نقدهای گوناگونی بر آن کار نوشتند، که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

ابوالفضل خطیبی. «ترجمه بی نظیر چند نمونه از بلاهایی که بر سر کتاب زنان در شاهنامه آمده است».^۳

سحر رحمتی.^۴

سجاد آیدنلو.^۵

در مجموع تمام این موارد باعث شد تا موضوع را دوباره با استاد مطرح نموده و از ایشان برای ترجمه مجدد متن، کسب اجازه نماییم. در این فاصله هم استاد نگاهی به ترجمه انداخته و طبعاً ناراضی بودند و فرمودند: «من به دلیل کسالتی که داشتم فقط توانستم مقدمه آن کتاب را بررسی کنم و به ایشان گوشزد کردم که قبل از ارسال کار برای ناشر موارد نادرست را اصلاح بفرمایند، اما گویا چنین نشده است.»

استاد با نظر لطفی که به ما داشتند اجازه ترجمه مجدد را به ما دادند و در بهار ۱۳۹۶ ترجمه کتاب به انجام رسید و برای بازبینی خدمت استاد تحویل دادیم. همچنان به کارهای دیگر پرداختیم و متأسفانه چون هر از گاهی خبر تشدید کسالت استاد را می‌شنیدیم طبعاً دیگر پیگیر موضوع نبوده و منتظر بهبودی کامل استاد بودیم.

در بهار ۱۳۹۷ فرصتی برای دیدار با استاد مهیا شد. در آن دیدار خصوصی ضمن گفت‌وگو از طرح‌های گوناگون در باب شاهنامه‌پژوهی صحبت از ترجمه پیش آمد و استاد فرمودند: «کسالت من در حدی است که به توصیه پزشکان فقط روزی سه ساعت، صبح‌ها می‌توانم به کار پردازم و طبعاً دیگر امکانی برای بازبینی و بررسی کامل کتاب ندارم. اما با شناختی که از شما دارم و می‌دانم که به منابع مربوط به این حوزه، اشراف لازم را دارید، توصیه می‌کنم دیگر منتظر بازبینی من نشوید و کتاب را برای چاپ تحویل ناشر دهید.»

بدین ترتیب شوربختانه ما و خوانندگان، امکان بازبینی استاد را از دست دادیم و اجازه نهایی ایشان بدون دیدن متن ترجمه و فقط از سرمهر و لطف به این فرزندان حقیرشان بوده است.

اما ذکر نکاتی چند در باب این ترجمه سودمند می‌نماید:

نام کتاب را طبق نظر استاد زنان شاهنامه برگزیدیم تا با ترجمه پیشین اشتباه گرفته نشود. در باب ضبط نام‌ها، صورت آشنای اسامی را به جای صورت دقیق آنها در منابع تحقیقی برگزیدیم، مانند: هرمزد به جای اهوره‌مزدا، میترا به جای میثره، اناهیتا به جای اناهیته و... تکمیل مشخصات مقالات ارجاعی که جزو افزوده‌های استاد به ترجمه انگلیسی بوده و گاهی از متن افتاده بودند.

اصلاح معدودی نادرستی که در کتابشناسی ترجمه انگلیسی پیش آمده بود و طبعاً در اصل آلمانی درست بود.

اصلاح شماره ابیاتی که نادرست ثبت شده بودند و اصلاح نادرستی‌ها در ضبط متن اشعار.

اصلاح نادرستی‌ها در ضبط تاریخ حکومت پادشاهان.

در مجموع می‌توان گفت که در زمینه ثبت ارقام ترجمه فارسی دقیق‌تر از متن انگلیسی است.

در ارجاع به متن شاهنامه در باب ملحقات چاپ مسکو، اعداد ترتیبی فارسی را با حروف، جایگزین ارقام رومی کردیم. در ضمن در ارجاع به شاهنامه هر جا واژه دفتر به کار رفته باشد، منظور پیرایش نخست استاد خالقی مطلق در هشت دفتر است.^۶

در ترجمه فارسی هر جا امکان داشت به مقتضای موضوع از ترجمه متن پرهیز نموده و به جای آن، متن اشعار شاهنامه را آوردیم که بسی استوارتر از قلم لغزان ما بود. در موارد معدودی هم به اشعار حافظ ارجاع داده شده بود که متن شعر را از تصحیح قزوینی - غنی^۷ جایگزین کردیم.

گهگاه که تصور ابهام در متن ترجمه انگلیسی می‌رفت به متن اصلی آلمانی مراجعه نموده و قلم استاد یاریگر شدند.

در موارد معدودی که نیاز به توضیح مطلبی بود، آن را درون کمان () آورده و در پایان، واژه «مترجمان» را قید کردیم.

تنها موردی که از ترجمه فارسی حذف کردیم پنج سطر پیشگفتار استاد بر ترجمه انگلیسی بود که توضیح موارد به‌روزشده توسط استاد، پس از ۳۸ سال از چاپ نسخه اصل آلمانی بود.

بین انتشار این ترجمه و اصل آلمانی رساله استاد، اندکی کمتر از نیم قرن فاصله است. از جمله پیشرفت‌هایی که در حوزه ایران‌شناسی در این مدت، در ایران صورت گرفته این نکته است که از برخی آثاری که مورد استفاده استاد بوده و جزو آثار مرجع در زمینه ایران‌شناسی هستند، ترجمه‌هایی به زبان فارسی انجام شده که ضمن روند کار، گهگاه مورد استفاده ما نیز بوده‌اند. در باب ارجاع به بخش‌های گوناگون اوستا، کتیبه‌های هخامنشی، متون پهلوی و تواریخ عربی نیز از ترجمه‌های نیکویی که از این آثار در زبان فارسی موجود است بهره بردیم و از تلاش مترجمان این آثار سپاس فراوان داریم.

برای ارج نهادن به تلاش مترجمان این آثار، کتابنامه‌ای در پایان کتاب ترتیب دادیم و متون مورد استفاده برای ترجمه را در آن ثبت نمودیم. با امید به این که راهنمایی مختصر برای دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه باشد.

مراتب تشکر خود را از جناب آقای اکبر قنبری مدیریت محترم انتشارات نگاه معاصر ابراز می‌داریم که با چاپ این اثر موافقت نمودند و در هر چه زیاتر ارائه نمودن کتاب، تلاشی ستودنی داشتند.

در پایان با آرزوی کسب بهبودی کامل و تندرستی برای استاد، مراتب ارادت و سپاس خود را تقدیم آستان پرمهر ایشان نموده و امیدواریم که این وجیزه ناچیز را از کمترین شاگردان‌شان بپذیرند.

دایم بر جان او بلرزیم ازیراک مادر آزادگان، کم آرد فرزند

فرهاد اصلانی — معصومه پورتنی

شهریور ۱۳۹۷

1. Brigitte Neuenschwander

۲. زنان در شاهنامه. جلال خالقی مطلق. ترجمه احمد بی‌نظیر. تهران: ۱۳۹۵، مروارید.
۳. شهر کتاب، شماره ۱۳، آبان و آذر ۱۳۹۵، ۱۴۲-۱۴۳.
۴. زنان در شاهنامه، بخارا، شماره ۱۱۵، آذر-دی ۱۳۹۵، ۴۸۲-۴۸۷.
۵. «زنان در شاهنامه، تحقیقی ارزشمند و ترجمه‌ای نادرخور»، آینه پژوهش، سال بیست و هشتم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، ۹۷-۱۱۰.
۶. ابوالقاسم فردوسی. شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. دفتر اول تا هشتم، دفتر ششم با همکاری محمود امیدسالار، دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ۱۳۸۶.
۷. تهران: ۱۳۸۷، اساطیر.

پیشگفتار ویراستار متن انگلیسی

در سال ۱۹۹۷ وقتی دورهٔ دکتری خود را در دانشگاه UCLA می‌گذراندم در خلال تحقیقاتم روی متنی ادبی به زبان آلمانی، برای اولین بار به متن آلمانی زنان در شاهنامه^۱ برخوردم. به کمک مدرس آلمانی خود دکتریریگیته نوینشواندر^۲ که در همان برهه دورهٔ دکتری خود را در دانشگاه UCLA می‌گذراند، موفق به مطالعه و ترجمهٔ این کتاب شدم که بخشی لازم از آزمون زبانم بود. وقتی مطالعاتم را ادامه دادم پیوسته بر اهمیت این کتاب وقوف یافتم. با آگاهی از اینکه این اثر هرگز به زبان فارسی و یا انگلیسی ترجمه نشده بود، بر آن شدم تا آن را ترجمه کرده تا در مجموعهٔ ادبی منتشر شود.

حدود ده سال بعد، در سال ۲۰۰۶، در همایش بین‌المللی در هامبورگ فرصتی دست داد تا با دکتر خالقی مطلق ملاقات کنم و متوجه شدم که زنان در شاهنامه رسالهٔ دکتری استاد خالقی در سال ۱۹۷۰ است. با درخواست من، دکتر خالقی بزرگوارانه اجازهٔ ترجمهٔ انگلیسی و همچنین فارسی اثر را به من دادند. با موافقت دکتر خالقی، با دکتر نوینشواندر که آلمانی‌الصل و مترجم زبان آلمانی بودند، تماس گرفتم. من و ایشان اولین ترجمهٔ اثر را که مشترکاً در اواخر دههٔ ۱۹۹۰ انجام داده بودیم مورد بررسی قرار دادیم. به راستی که مدیون وفاداری به متن و صحت علمی ترجمهٔ ایشان هستیم.

دکتر محمود امیدسالار شاهنامه‌پژوه سرشناس و همکار دکتر خالقی، با لطف و محبت تمام برای اطمینان از صحت متن، وقت خود را صرف بازخوانی ترجمهٔ انگلیسی نمودند. ایشان ترجمه را مطالعه کرده و با مهربانی بر مطالب ترجمه اظهار نظر نمودند و موارد گنگ را که من و دکتر نوینشواندر در فهم آنها مشکل داشتیم با کمال میل روشن ساختند. از دکتر امیدسالار به خاطر صرف وقت، توجه و راهنمایی‌های ایشان در تمام مراحل انجام این امر کمال تشکر و امتنان را دارم.

نسخه اصل آلمانی زنان در شاهنامه در سال ۱۹۷۱ به چاپ رسید، دکتر خالقی نقش مهمی در به روز کردن متن ترجمه به عهده داشتند. ایشان با عظوفت بسیار متن را به روز و بازبینی کرده و دیگر توضیحات مستند و ارجاع به مقالاتی را ارائه کردند که پس از اتمام رساله شان بر موضوع نوشته بودند. با انجام این مهم، این کتاب به اثری معتبر و تمام عیار برای محققان و متخصصان این رشته بدل شده است.

علاوه بر متن اصل آلمانی، تمامی صورت های فارسی ابیات را که در متن به آنها ارجاع داده شده و یا نقل شده است یافته و در پانویس ها افزوده ام. این الحاقات برای کمک به فهم بهتر خوانندگان افزوده شد. امید است با ترجمه فارسی متن، این ابیات در متن اصلی آورده شود تا به روانی و درک بهتر متن بیفزاید.^۳

از خانم آتورسته^۴ نخستین دانشجویی که در مراحل اولیه کار مرا همیاری نمودند و از دکتر مشکیه^۵ دوست و همکارم در دانشگاه UCLA که ویرایش نهایی و آماده سازی متن برای چاپ را انجام دادند کمال تشکر را دارم. همچنین از دکتر احمد گمرون جباری و انتشارات مزدا برای مشاوره هایشان و طبع و نشر این کتاب قدردانی می نمایم. همچنین از آموزگار و استاد خود دکتر حسین ضیایی برای تمامی حمایت های ایشان و فرصت هایی که در تمام سال های تحصیلم در UCLA در اختیار من قرار دادند بسیار سپاسگزارم.

در آخر و بیش از همه از همسرم جفری^۶ و دخترانم شیرین و جاسمین ابرمان^۷ برای حمایت ها و مشورت های بی وقفه شان در این پروژه چهار ساله، از زمانی که نخستین بار پروفسور خالقی را در هامبورگ ملاقات کردم، قدردانی می کنم.

باعث افتخار است که با کمک به نشر و اشاعه این کتاب توانسته باشم خلأ مغفول مانده در جامعه علمی را پر کنم.

ناهید پیرنظر (ویراستار)

پی نوشت ها

1. *Die Frauen im Schahname*

2. Brigitte Neuenschwander

۳. در ترجمه فارسی چنین شد و البته باز هم موارد بیشتری از ابیات شاهنامه در جای جای متن افزوده شد؛ مترجمان.

4. Tima Aurasteh

5. George W. Maschke

6. Jeffrey

7. Jasmine Oberman Shireen

مقدمه ویراستار

متن آلمانی کتاب حاضر^۱ رساله دکتری استاد جلال خالقی مطلق در سال ۱۹۷۰ در دانشگاه کلن است. این اثر ابتدا به عنوان شماره دوازده از مجموعه *Islamkundliche Untersuchungen* توسط انتشارات کلاوس شوارتز^۲ در سال ۱۹۷۱ در فرایبورگ چاپ شد. در ترجمه دکتر نونینشواندر از متن آلمانی به انگلیسی و الحاقاتی که خود افزوده‌ام سعی شده است تا متن در حد امکان به نسخه اصلی نزدیک باشد. با این حال تغییرات معدودی در خصوص ترجمه و سبک نگارش اعمال شده است.

استاد خالقی تعلیقات و افزوده‌های تازه‌ای بر این اثر نگاشتند که در ابتدا به فارسی بوده و سپس به انگلیسی ترجمه شد. ویراستار این یادداشت‌ها را به مقتضای متن در پانویس‌ها آورده است.

از مهم‌ترین تغییرات سبکی متن این مورد است که اکثر نام‌ها و واژگان اوستایی طبق صورت آوانگاری این زبان ضبط شده‌اند.

ویراستار صورت اصلی اشعار فارسی در متن را برای سهولت بیشتر خوانندگان افزوده است، مگر مواردی که مؤلف قبلاً آنها را ذکر نموده است.^۳ از منابع ذیل نیز بهره برده‌ایم:

The Sacred Books of the East, The Zend-Avesta, The Yasna, Visparad, Āfrinagān, Gāhs, and Miscellaneous Fragments, vol. III, translated by L. H. Mills. Edited by F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1887, by Westport: Greenwood Press, Publishers, 1972.

از آنجا که یادداشت‌های افزوده استاد خالقی به متن ترجمه افزوده شده است، شماره پانویس‌ها با شماره‌های متن اصلی آلمانی همخوانی ندارد. لذا در چنین مواردی وقتی که به

پانویس‌های قبلی ارجاع داده می‌شود پانویس‌های اصلی به طور کامل یا بخشی از آنها تکرار می‌شوند.

کتابشناسی اصلی در متن آلمانی اساساً بدون تغییر آمده و عناوین کتب آلمانی در پانویس‌ها به صورت مورب آورده شده است.^۴ مؤلف گاهی در ارجاع به آثار خود به جای نام کتاب به نام خودش و سپس شماره صفحه ارجاع داده که در این موارد ویراستار، نام مقالات و کتب مورد رجوع (در صورت نیاز به صورت مورب) و سپس شماره صفحات را ذکر کرده است.^۵

ناهید پیرنظر

پی‌نوشت‌ها

1. *Die Frauen im Schahname*

2. Klaus Schwarz

۳. در ترجمه فارسی به اقتضای موضوع اشعار بیشتری وارد متن شده است؛ مترجمان.

۴. در ترجمه فارسی تمامی کتب و مجلات مورد ارجاع، به صورت مورب آورده شد؛ مترجمان.

۵. موارد دیگری از مقالات ارجاعی که عمده‌تاً در مجله ایران‌شناسی چاپ شده بودند و بدون ذکر مشخصات، فقط با سال چاپ آمده بودند، در ترجمه فارسی با ذکر مشخصات کامل ثبت شدند؛ مترجمان.

دیباچه

اگر شاهنامه صرفاً به عنوان اثری ادبی - حماسی در نظر گرفته شود - که عمدتاً چنین بوده - پس موضوع اصلی کتاب حاضر را نمی‌توان یکی از موضوعات مهم آن مجموعه تلقی کرد.

اگر شاهنامه را به عنوان منبع آگاهی دربارهٔ تاریخ و فرهنگ ایرانیان بدانیم^۱، مسأله اهمیت موضوع بی‌ربط خواهد بود. حتی اگر موضوع اثر حاضر، به نظر از اهمیت کمتری برخوردار باشد؛ هر تحلیلی از این اثر ادبی بلند ما را به شناختی ارزشمند و در عین حال پیش‌بینی نشده سوق می‌دهد و در نتیجه به آگاهی بیشتر ما در باب موضوعات فرهنگ ایرانی کمک می‌کند.

از سویی بررسی شاهنامه بدون در نظر گرفتن منابع پیش از اسلام و اوایل دوره اسلامی ندرتاً به نتایج درست می‌انجامد و حتی می‌تواند مانع از رسیدن به اهداف تحقیق شود. بدون مقایسه منابع مذکور نمی‌توان به ارزیابی درستی از حقایق فرهنگی و تاریخی درون شاهنامه رسید.

مشهور است که فردوسی شاعر همیشه منابع در دسترسش را بررسی می‌کرده است، اما این یافته حاصل از قیاس شاهنامه با دیگر منابع را نباید در تحلیلی جدید بدیهی دانست، بلکه چنانچه امکان‌پذیر است باید در چهارچوب هر موضوع تازه‌ای ارزیابی مجدد شود.^۲ چنین دیدگاهی اساس بررسی مؤلف را شکل می‌دهد که در این کتاب آمده است.

نگارنده بر آن بوده در مقدمه نقش جنس مؤنث در اسطوره‌شناسی ایران را مشخص کند تا روشن شود که این موضوع در شاهنامه نمود داشته و اگر چنین است تا چه حد بوده است. مقدمه با داستان آفرینش مرد و زن پایان می‌یابد و مؤلف در آنجا آن را به داستان نخستین زن در شاهنامه مرتبط می‌سازد.

نگارنده در بخش نخست چکیده‌ای موجز از داستان‌های مهم‌ترین زنان شاهنامه را ارائه می‌کند و آنها را با دیگر منابع پیش از اسلام و عهد اسلامی تا آنجا که بر مؤلف شناخته شده و قابل دستیابی بودند می‌سنجد. نگارنده کوشیده است در پایان هر بند ویژگی‌های شخصیتی آنها را به اجمال بازگو کند. از آنجا که شخصیت‌های زنان در شاهنامه فراوان هستند و پرداختن به همه آنها امری ملال‌آور است لذا نگارنده تمام زنان اسطوره‌ای و البته مهم‌ترین زنان بخش تاریخی شاهنامه را منظور داشته و آنها را بنا بر طبقه اجتماعی شان خواه اشراف و خواه زنان عامه تقسیم‌بندی نموده است.

بخش دوم به بررسی جایگاه زنان در شاهنامه می‌پردازد و همواره منابع اسلامی و پیش از اسلام را مورد توجه قرار داده است. نگارنده به اجمال نقش، اهمیت و سرنوشت هریک از شخصیت‌های زنان در ادوار مختلف زندگی شان را مانند دوران کودکی، همسری و مادر بودن در قالب خانواده و همچنین جامعه، به طور کلی توصیف می‌کند. از آنجا که شاهنامه کتابی در باب حقوق خانواده نیست لذا نگارنده برای پر کردن خلأ موجود از منابع دیگر سود جسته است. بنابراین شاهنامه در این زمینه از تحقیق حاضر منبعی جانبی به شمار می‌رود. اما این امر روشن می‌سازد که موضوعات فرهنگی پیش از اسلام کمابیش به طور کامل در شاهنامه مطرح شده‌اند.

بیشتر منابع مورد استفاده در این تحقیق یعنی منابع کهن عربی و ایرانی، به قدری مشهور هستند که توضیح زیادی لازم ندارند. اما برخی از منابع کمتر شناخته شده هستند که غالباً به زبان پارسیگ (لهجه پهلوی جنوب غربی)^۳ و از اواخر دوره ساسانی و پس از آن هستند. در بخش کتاب‌شناسی این آثار و دیگر نوشته‌های پیش از اسلام تحت عنوان منابع کهن شامل متون اوستایی، فارسی باستان و متون پهلوی آمده‌اند.^۴ بخش دوم منابع در کتاب‌شناسی (تک‌نگاری‌ها و مقالات) مربوط به تحقیقات امروزی است که در پانویس‌ها یا متن ذکر شده‌اند و در این تحقیق از آنها نقل قول شده است.

ارجاع به خود شاهنامه طبق روش ولف در فرهنگ شاهنامه فردوسی آمده است. منظور از اولین عدد پس از «شاهنامه» شماره مربوط به آن پادشاهی است و سپس با خط مورب «//» شماره ابیات ذکر می‌شود. چنانچه از موضوع و محتوای فصل بر خواننده روشن باشد که کدام داستان مورد نظر است فقط شماره ابیات ذکر می‌شوند.

نگارنده از چاپ مسکو مجلدات یک تا چهار (۱۹۶۰-۱۹۶۷) برای داستان‌های نوزده پادشاهی نخست استفاده کرده است. ارجاع به ملحقات پایان هر جلد از چاپ مسکو (به

جز جلد چهار) با کلمه «ملحقات» مشخص شده و شماره بخش مربوطه نیز به صورت اعداد ترتیبی درج شده است.^۵ به دلیل کامل نبودن مجلدات چاپ مسکو، برای داستان‌های سی و یک پادشاهی باقیمانده از چاپ تهران ۱۳۴۵ ش.^۶ استفاده شده است. فهرست ذیل شمار داستان‌های پنجاه پادشاهی مزبور براساس تقسیم‌بندی ولف است:^۷

دیباچه	E	گشتاسپ (دقیقی)	۱۵
کیومرث	۱	گشتاسپ (فردوسی)	a۱۵
هوشنگ	۲	گشتاسپ (هفت خان اسفندیار)	b۱۵
طهمورث	۳	گشتاسپ (رستم و اسفندیار)	c۱۵
جمشید	۴	گشتاسپ (رستم و شغاد)	d۱۵
ضحاک	۵	بهمن	۱۶
فریدون	۶	هُمای	۱۷
منوچهر	۷	داراب	۱۸
نوذر	۸	دارا	۱۹
زوطهماسپ	۹	اسکندر	۲۰
گرشاسپ	۱۰	اشکانیان	۲۱
کیقباد	۱۱	اردشیر بابکان	۲۲
کیکائوس (مازندران)	۱۲	شاپور اردشیر	۲۳
کیکائوس (هاماوران)	a۱۲	اورمزد شاپور	۲۴
کیکائوس (رستم و سهراب)	b۱۲	بهرام اورمزد	۲۵
کیکائوس (سیاوش)	c۱۲	بهرام بهرام	۲۶
کیخسرو (فرود)	۱۳	بهرام بهرامیان	۲۷
کیخسرو (کاموس کشانی)	a۱۳	نرسی بهرام	۲۸
کیخسرو (خاقان چین)	b۱۳	اورمزد نرسی	۲۹
کیخسرو (اکوان دیو)	c۱۳	شاپور ذوالاکتاف	۳۰
کیخسرو (بیژن و منیژه)	d۱۳	اردشیر نیکوکار	۳۱
کیخسرو (دوازده رخ)	e۱۳	شاپور شاپور	۳۲
کیخسرو (افراسیاب)	f۱۳	بهرام شاپور	۳۳
لهراسپ	۱۴	یزدگرد اول	۳۴

۴۳	۳۵ خسرو دوم (پرویز)	بهرام گور
۴۴	۳۵a قباد دوم (شیروی)	بهرام گور
۴۵	۳۶ اردشیر شیروی	یزدگرد دوم
۴۶	۳۷ شهربراز	هرمز
۴۷	۳۸ پوران دخت	پیروز
۴۸	۳۹ آذر مدخت	بلاش
۴۹	۴۰ فرخزاد	قباد اول
۵۰	۴۱ یزدگرد سوم	خسرو اول (انوشروان)
S	۴۲ هجونا مه	هرمزد

نگارنده نهایت تشکر و قدردانی را از استاد خود پروفیسور ارورین گرف^۸ برای تمام راهنمایی‌ها و پیشنهادات ارزنده‌شان دارد. در تمام سال‌های حضورم در سمینار شرقی دانشگاه کلن همواره ایشان را همچون پیری از جنس پیران مد نظر حافظ دیدم.

همچنین از دوست و استاد گرامی ام دکتر عبدالجواد فلاطوری سپاسگزارم که همیشه به کار نگارنده علاقه‌ای راستین نشان داده و همواره از نکات بی‌شمار و توصیه‌های مفید ایشان بهره برده‌ام. از دکتر اکبرت مایر^۹ و خانم ادا کُونه^{۱۰} برای کمک‌های اساسی‌شان در حوزهٔ زبان‌شناسی تشکر می‌کنم.

نگارنده بر خود فرض می‌داند که در پایان و بیش از همه از استاد دکتر برتولد اشپولر^{۱۱} برای تازه‌ترین راهنمایی‌های کتاب‌شناختی ایشان صمیمانه تشکر کند.

جلال خالقی مطلق

پی‌نوشت‌ها

۱. قس: Hansen, «Die Krone im Šāhnāme», in *Der Islam* 31/1954, p. 1 ff., p. 14 ff.

۲. برای اطلاعات به‌روزشده در خصوص تمام منابع مستقیم و غیرمستقیم مورد استفاده فردوسی در تدوین شاهنامه نک: «از شاهنامه تا خداینامه»، خالقی مطلق، ۲۰۰۹، www.Noufe.com.

۳. منظور از این اصطلاح زبان فارسی میانه (پهلوی) است. فارسی میانه خود به دو گروه زبانی تقسیم شده که شامل پارتی (پهلویگ) و زبان رسمی عهد ساسانی یعنی پارسیگ است و اصطلاح پهلوی به غلط برای هر دو زبان به کار رفته است.

۴. برای آگاهی بیشتر در خصوص این منابع قس:

GrIrPh 2; Tavadia, *Die Mittelpersische Sprache und Literatur der Zarathustrier*.

برای خلاصه‌ای از منابع بومی مهم ایران پیش از اسلام و اوایل عهد اسلامی نک:

Widengren, *Iranische Geisteswelt*, همو *Die Religionen Irans*.

نیز قس: Rypka, *Iranische Literaturgeschichte*, Part I.

۵. در متن اصلی اعداد رومی به کار رفته بود که در ترجمه فارسی اعداد ترتیبی را جایگزین کردیم. (مترجمان)

۶. چاپ عکسی از روی تصحیح مول در هفت مجلد ۱۸۷۶-۱۸۷۸ چاپ پاریس.

۷. پس از این فهرست، صورت حرف نویسی الفبای فارسی ذکر شده که ذکر آن در ترجمه فارسی لزومی نداشت، بنابراین آن را حذف نمودیم. (مترجمان)

8. Erwin Graf

9. Egbert Meyer

10. Edda Kohne

11. Bertold Spuler